

سیزدهمین منبر محرم 1443؛ موضوع: محاسبه و مراقبه؛ جهل جامعه کوفه به خود، لزوم خودشناسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله آل الله

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ و عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ و فِي كُلِّ سَاعَةٍ و لِيًّا و حَافِظًا و

قَائِدًا و نَاصِرًا و دَلِيلًا و عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا و تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

جهت تعجيل در ظهورش و سلامتی وجود نازنینش از هر گزندی صلوات ختم بفرمایید...

خدای بزرگ را شاکرم که توفیقی داده و فرصتی هست که در این شب عزیز و در این مکان محترم محضر شما

نمازگزاران و عزاداران باشم ...

با خودم فکر می کردم که در تک جلسه چه چیزی را مطرح کنم به این نتیجه رسیدم که یک سوال و جواب را

مطرح کنم....

ببینید انسان وقتی تاریخ اسلام را مطالعه میکند سوالی برای او پیش می آید؛ و آن این که چرا سال 61 هجری این

حادثه اتفاق افتاد؟ یکطرف امام حسین و خانواده اهل بیت فرزند فاطمه فرزند پیامبر پیامبر فرموده بودند

حسین منی و انا من حسین... یا الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة.... و همه هم این سفارشات را

میدانستند ... همه هم میدانستند که روز مباحله پیامبر حسین را همراه خود برای مباحله بردند و همه هم

میدانستند که آیه تطهیر که در شان اهل بیت نازل شده شامل امام حسین هم هست ولی ببینید سال 61 همه

این هایی که این موارد را میدانستند با امام چه کردند... بدترین رفتار!!!... البته من با این که شب شام غریبان

هست بنای خواندن روضه ندارم؛ هدفم تاریخ است؛ اصلا این جنایتی که لشکریان عبیدالله از خودشان به جای

گذاشتند مشابه دارد؟ بعید است . معمولا در جنگها وقتی کسی را می کشند او را رها می کنند اما در مورد امام علیه

السلام شنیدید که می آیند بدن را قطعه قطعه می کنند...

بعد هم در مجلس عبیدالله لشکریانش به او گفتند می دانی ما با بدن این ها چه کردیم؟ اول آمدیم روی کمر را خرد کردیم و بعد سینه را خرد کردیم و بعد به عنوان افتخار سرها را به نیزها می زنند....

نحن رضضنا الصدر بعد الظهر

بکل یعسوب شدید الاسر

بحث امشب من این است که چرا اینطور شد؟ چرا با این که اینان سفارش پیامبر را راجع به ذریه خود شنیده بودند اما بی اعتنا شدند و کردند آن چه نبایست می کردند... جالب هم این است که یک نفر ملحد د رلشکر عمر سعد و یزید هم نبوده است. شاید یک نفر مجوسی و یا مسیحی نبوده است... همه هم به ظاهر مسلمان بودند و پنج وعده نماز می خواندند!! وضو می گرفتند و غسل می کردند و ماه رمضان یک روزه را هم قضا نمی کردند... حج می رفتند ولی چرا این طور شد؟ نکند خدای ناکرده مشابه همین حوادث باز هم پیش آید و ما هم مبتلا شویم!!... لذا این سوال من است

ملاصدرا فیلسوف معروف می گوید: حسین بن علی کشته روز عاشورا نیست؛ قتل حسین بن علی یوم السقیفه... حسین بن علی بعد رحلت پیامبر به شهادت رسیده بود آن روزی که وصیت پیامبر مبنی بر ولایت امام علی علیه السلام بر زمین ماند و عمل نشد... و جالب این است که سنی ها حدیث غدیر را قبول دارند و ما هم قبول داریم... امامت معصوم امامت امیرالمؤمنین جایش را داد به امامت انتخابی از آن جا انحراف شروع شد، روز سقیفه... جالب است بدانید پیامبر روز دوشنبه فوت می کنند بیست و هشت صفر... کی پیغمبر دفن می شود؟ پنجشنبه... دوشنبه تا پنجشنبه سه روز است. برای چه این چند روزه دفن نمی شوند آیا می خواستند سران جهان بیایند؟ آیا می خواستند پزشک قانونی بیاید؟ هیچکدام... اما برنامه سقیفه و انحراف امامت بوده امامت توانمند خدا به امیرالمؤمنین مسیرش عوض شود که شد....

وقتی امامت در جامعه منحرف می شود، پشت سرش انحرافات می آید... لذا شما می بینید که مسلمانانی که جنگ می کردند، در جنگ احزاب خندق می کنند با یک دانه خرما که حتی آن را هم نصف می کردند و تا شب هم کار می کردند بعد وفات پیامبر سر طلا و اسب و ... به جان هم افتادند همان هایی که آنزمان آن طور بودند یا فرزندان آن ها تبدیل به این ها شدند تکاثر طلبی دنیا خواهی رشوه و ... آمد؛ این ها وقتی آمد با خود خیلی چیزها را می آورد وقتی لقمه حرام داخل شکم رفت ، دیگر برگشت ندارد... برای چه به ما گفته اند که خداوند متعال به رسول خود فرمود: یا احمد! ان العبادة عشرة اجزاء تسعة منها في طلب الحلال... گوینده خداست و مخاطب پیامبر است می فرماید اطاعت ده جزء دارد که نه جزء آن در طلب حلال است... یعنی این همه نماز و روزه و حج و یک جزء اما نه جزء آن طلب حلال است چون اگر لقمه حلال شد، یک جور عمل می کند و لقمه که حرام شد، یک جور دیگر عمل می کند... امام حسین هم فرمودند شما شکم هایتان از لقمه حرام پر شده است... یعنی از رحلت پیامبر سال یازده هجری تا سال 61 هجری، پنجاه سال لقمه ها شد حرام ریزش شروع شد و جامعه اسلامی ریخت... خودشان هم نمیدانستند تنزل کردند... شاید حرفهای امشب من عجیب باشد، برخی می گویند اهل کوفه اهل خدعه بودند اما من نمی توانم قبول کنم چون ما دلیلی نداریم که این ها می خواستند امام را به دام بیندازند... نه... این ها صادقانه دعوت کردند نامه هم که نوشتند دوازده یا هیجده هزار نامه... میدانید دلیل چه بود؟ دلیل این بود که کوفه خودش را نشناخته بود و نمیدانسته بود که فساد رخنه کرده وقتی عبیدالله آمد و کوفه را گرفت، یک دفعه مثل یک دیواری که ترک خورده باشد که با ضربه یک دفعه فرو میریزد!... کوفه این طور شده بود... من عقیده ام این است و لذا امتحان خوبی پس نداد... رد شد سیاه شد برای تاریخ سیاه شد بخاطر آن زمان؛ کوفه دوران های مختلفی داشته ما باید بدیها را ببینیم و خوبیها را هم ببینیم کوفه همواره یک مرکز اصلی برای تشیع بوده است... و باید یک تعادل برقرار کنیم و بعد داوری کنیم ...

آن پنجاه سال فساد، لقمه های حرام وارد شکم ها شد، جامعه را به جایی رسانید که خودش هم نمیدانست من داخل پراتز برای خودمان بگویم : برادران! این فقط برای شریح قاضی یا عمر سعد یا ... نیست گاه یک جامعه هم

همین طور است؛ جامعه موریانه زده است؛ ولو یک ظاهری دارد...گاهی یک شخص موریانه زده است و خودش هم خبر ندارد: **وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ...** بعد قرآن می فرماید: **المفسدون ...**

دیدید گاه سرطان می ریزد و همه بدن را می گیرد؟ گاه سرطان فساد همه بدن را آلوده می کند....بعد قرآن می فرماید: **ولكن لا يشعرون ...**

خیلی باید مواظب باشیم نکته این است که گاهی انسان مثل آن کمدی است که موریانه خورده ولی نمیداند و یک دفعه با یک تلنگر خراب می شود...این که گفته می شود محاسبه در شب باید داشته باشید برای این که مثل قصه کوفه پیش نیاید باید محاسبه داشت...

کسی که محاسبه داشته باشد موریانه های فساد به او رخنه نخواهند کرد و در صحنه های امتحان می درخشد! ولی سوال این است که آیا همه اینطورند؟ هرشب که خواستید بخوابید انشاءالله با وضو، دو سه دقیقه به محاسبه کارهایتان پردازید قلم و کاغذ و دفتر نمی خواهد یک روز از عمر گذشت ببینید چه کردید؟ ببینید اگر حق الناسی هست باید جبران کنید و یا اگر حق الهی هست باید جبران کرد؛ حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا....جامعه هم همین است ایکاش مسئولان کارگزاران نظام آنهایی که قدرت دارند باید دقت کنند...شما حالا دائم پنبه در گوشت بگذارد یا سفید نمایی کن و واقعیت را نبین...چرا بزرگان از مسئولیت فرار می کردند؟ برای این که سنگین است..بگذریم گاهی باید روضه خودمان را بخوانیم؛ اختیار دیگران را نداریم اختیار خودمان را که داریم...نکند قصه صدر اسلام پیش آید! شما می دانید خیلی ها که در کربلا آمدند بعد از کربلا به شکرانه این که آمدند کربلا و امام را به شهادت رسانیدند ، مسجد ساختند؟ آیا این را میدانستید؟ پناه بر خدا چقدر انسان در درون پوچ و بی محتوا می شود که به این نقطه می رسد!! البته این یک شبه اتفاق نیفتاد، پنجاه سال گذشت....

جمع کنم بحث را یکی محاسبه نفس است لقمه حلال و مراقبت در روز....

نکند خدای ناکرده مسجد در محله ما باشد اما ما اهل جماعت نباشیم...

مناسبات و مجالس را با شکوه برگزار کنیم... ربطی هم به کار دیگران ندارد! یک چیزی هم به کار دیگران ندارد تا این چیزها را به کسی می گوئیم فوری پیوند به اقتصاد میدهند... حساب این ها از هم جداست... انشاءالله توفیق داشته باشیم شرکت در جلسات نباید بی توجهی به آن شود.

ذکر مصیبت

شب شام غریبان است عجیب است تصور کنید کسی برای بار اول این ها را می شنود تصور کنید در چنین شبی همه چیز تمام شده است؛ در آن تاریکی در آن ظلمت...زنها در آن بیابان ، خیمه های آنها را آتش کشیدند امامشان را که شهید کردند ، جوانهایشان را سر بردند...چه ترسی چه ناامنی که حاکم شد بر آن فضا!! بعد این نتیجه را بگیریم که تشیع مجانی به دست ما نرسیده است؛ قیمتش عاشورا بوده است.... کربلا یک حادثه ان است.

اللهم اللعن اول ظالم ظلم حق مجد و آل مجد و آخر تابع علی ذلک

السلام علیک یا ابا عبدالله و علی الارواح التي حلت بفنائک علیک منی سلام الله ابدًا ما بقیت و بقی اللیل و النهار ولا جعله الله آخر العهد منی لزیارتکم السلام علی الحسین و علی بن الحسین و علی اولاد الحسین و علی

اصحاب الحسین

